گزارش

«شرق» از تداوم انتقادها به عملکرد عباس عراقچی گزارش می‌دهد

وزیر در بحران؛ ناکارآمد یا محتاط؟

مالک مصدق: تقریبا یک سال از عمر دولت چهاردهم و سکانداری عباس عراقچی بر سیاست خارجی این دولت می‌گذرد. در روزها و هفته‌های آغاز به کار او (عراقچی) تصور می‌شد که عراقچی می‌تواند نفس تازه‌ای بر دیپلماسی ایران بدمد و تعاملات بین‌المللی را به سمت ثبات و توافق هدایت کند. اما اکنون، کارنامه او مورد انتقاد بسیاری از چهره‌های دیپلمات، سیاسیون و اهل قلم است. انتقادها متنوع و چندوجهی هستند؛ از ضعف در تحلیل حقوق بین‌الملل گرفته تا بی‌توجهی به اصول دیپلماتیک و فقدان رویکرد راهبردی میان‌مدت و حتی وادادگی سیاسی در برابر برخی جریان‌های داخلی. در یک سال اخیر، اقدام‌ها و برخی سکوت‌ها یا انفعال‌های وزارت خارجه زیر ذره‌بین کارشناسان قرار گرفته است و این انتقادات بیش از آنکه جنبه شخصی داشته باشد، به پیامدهای عملیاتی و اثرات بلندمدت سیاست خارجی ایران مربوط می‌شوند.

نقدها نشان می‌دهد که عراقچی در مواجهه با چالش‌های کلان بین‌المللی، گاهی به اقدامات اقتضائی و واکنشی اکتفا کرده و جایگاه ایران در معادلات جهانی را به مخاطره انداخته است. از سوی دیگر، رفتارهای او در حوزه سیاست داخلی، نحوه بیان مواضع و نگاه به مذاکرات حساس بین‌المللی، نگرانی‌هایی را درباره تأثیر این روش بر امنیت، اقتصاد و مشروعیت حقوقی ایران ایجاد کرده است. این انتقادات، نه‌تنها از سوی دیپلمات‌های باسابقه، بلکه از سوی طیف گسترده‌ای از صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران مطرح شده و نوع نگاه به وزارت خارجه را به‌عنوان نهادی که باید دارای استقلال، ابتکار و رویکرد هماهنگ باشد، مورد سؤال قرار داده است. البته حامیان و موافقان عباس عراقچی، عملکرد یک‌ساله او در وزارت امور خارجه را در چارچوب شرایط ویژه و بی‌سابقه ایران ارزیابی می‌کنند که عملا امکان عمل آزاد و اتخاذ تصمیمات استراتژیک گسترده را از وی سلب کرده است. به باور این گروه، مجموعه‌ای از بحران‌های هم‌زمان و فشارهای داخلی و بین‌المللی، سکاندار دیپلماسی ایران را با محدودیت‌های جدی مواجه کرده است. ازجمله این بحران‌ها، ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر حماس در همان روز آغاز به کار دولت چهاردهم و پیامدهای ناشی از آن است که فضای امنیتی و سیاسی منطقه را به‌شدت متشنج کرده و تصمیم‌گیری‌های حساس دیپلماتیک را دشوار کرده است.

هم‌زمان، تشدید درگیری با اسرائیل، ادامه عملیات وعده صادق و آثار آن نیز سطح توقعات داخلی و بین‌المللی از وزارت خارجه را افزایش داده و گزینه‌های عملیاتی عراقچی را محدود کرده است. علاوه بر این، بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید و تغییر سیاست‌های کلان ایالات متحده در قبال ایران، فشارهای جدیدی بر دیپلماسی کشور وارد آورد که امکان اجرای برنامه‌ها و استراتژی‌های از پیش تعیین‌شده را دشوار کرده است. مجموع این عوامل، به باور حامیان، سبب شده است عراقچی مجبور به اتخاذ رویکردی محتاطانه، واکنشی و غالبا اقتضائی شود، بدون آنکه بتواند از تمام ظرفیت‌های وزارت خارجه برای تحقق اهداف بلندمدت بهره‌برداری کند. به این ترتیب، ارزیابی عملکرد وی باید در بستر این محدودیت‌ها و بحران‌های هم‌زمان صورت گیرد و نه صرفا از منظر نتایج ملموس و فوری سیاست خارجی. در همین راستا، موافقان و حامیان عباس عراقچی همواره بر این نکته نیز تأکید دارند که ارزیابی عملکرد وزیر امور خارجه نمی‌تواند فارغ از چارچوب ساختاری و نهادی جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد. به باور این گروه، ساختار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در عرصه دیپلماسی کشور به‌گونه‌ای است که محورهای اصلی، خطوط کلان و راهبردهای بلندمدت سیاست خارجی در سطح نهادهای بالادستی ترسیم و ابلاغ می‌شود و وزیر امور خارجه، صرفا به‌عنوان یک کارگزار حرفه‌ای و مجری، موظف به اجرای این سیاست‌ها در چارچوب اختیارات مشخص و محدود خود است.

از این منظر، نقش عباس عراقچی نه به‌عنوان یک تصمیم‌گیرنده مستقل، بلکه به‌عنوان مدیری که باید اراده نهادهای بالادستی را در حوزه سیاست خارجی محقق کند، تعریف می‌شود. این دیدگاه معتقد است که محدودیت‌های ساختاری و چارچوب تعیین‌شده برای وزارت امور خارجه، به‌ویژه در شرایط حساس و پیچیده منطقه‌ای و بین‌المللی، عملا توان مانور و اتخاذ ابتکارهای گسترده را از وزیر می‌گیرد و عملکرد او باید در بستر این محدودیت‌ها و وظایف تعریف‌شده تحلیل و ارزیابی شود. به بیان دیگر، هرگونه قضاوت درباره موفقیت یا ناکامی عراقچی بدون در نظر گرفتن این واقعیت‌های نهادی، می‌تواند نادرست و ناقص باشد و تصویر دقیقی از توان دیپلماتیک کشور ارائه ندهد. اما بررسی مواضع منتقدان، با توجه به نقاط ضعف، انفعال‌ها و پیامدهای احتمالی سیاست خارجی دولت چهاردهم و عملکرد عباس عراقچی در رأس وزارت امور خارجه، بخشی از چالش‌های ساختاری و رفتاری وزارت خارجه را روشن کرده و تصویری کلی از ناکارآمدی‌ها، فقدان ابتکار و تبعات حقوقی و دیپلماتیک سیاست‌های اخیر ارائه می‌دهد.

نقد ابوطالبی به ساده‌انگاری حقوق بین‌الملل

در جدیدترین مورد از انتقادات به عراقچی، حمید ابوطالبی، دیپلمات پیش‌کسوت و معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور در دوره روحانی، در واکنش به گفته‌های سکاندار سیاست خارجی درباره «اسنپ‌بک» در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: اظهارات عجیب وزیر محترم خارجه درباره «اسنپ‌بک»، ساده‌انگارانه و کاملا غیرتخصصی است و با واقعیات حقوق بین‌الملل و تجربه تاریخی شورای امنیت همخوانی ندارد.

ابوطالبی تأکید کرده است که «اسنپ‌بک تنها بازگشت تحریم‌ها نیست، بلکه ایران را دوباره به ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد بازمی‌گرداند. طبق ماده ۴۱ این فصل، شورای امنیت می‌تواند ایران را به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کند و اقدامات الزام‌آور را بر همه دولت‌ها واجب سازد». معاون روحانی در ادامه به پیامدهای گسترده این موضوع اشاره کرده است و ضمن پرداختن به «پیامدهای حقوقی»، «انزوای سیاسی و دیپلماتیک» و «پیامدهای اقتصادی و امنیتی»، خطاب به عراقچی می‌نویسد: «جناب وزیر، اسنپ‌بک صرفا بازگشت تحریم‌های اقتصادی نیست، بلکه بازگشت ایران به ذیل فصل هفتم منشور و تثبیت جایگاه کشور به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است. این جایگاه نه موقتی است و نه به آسانی قابل رفع». این نقد، به‌روشنی نشان می‌دهد که ضعف در فهم حقوق بین‌الملل و ساده‌انگاری پیامدهای حقوقی و دیپلماتیک می‌تواند ایران را در وضعیت بسیار پیچیده و مخاطره‌آمیزی قرار دهد؛ وضعیتی که حتی اصلاح آن در بلندمدت نیز دشوار خواهد بود.

لزوم دیپلماسی نرم و غیرنظامی

پیش از انتقادات حمید ابوطالبی، محمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در بخشی از مصاحبه اخیر خود که جنجالی شد، با تمرکز بر نحوه بیان و شیوه مذاکرات وزیر خارجه، عملکرد عراقچی را مورد نقد قرار داده است. صدر در این گفت‌وگو تصریح کرد: «وزیر خارجه باید دیپلماتیک حرف بزند، نباید جوری حرف بزند که گویی یک آدم نظامی است. احساس می‌کنم برخی سخنان او با نگاه به سیاست داخلی است. وزیر خارجه اگر وارد مسائل سیاست داخلی شود مطمئن باشید مشکل پیدا می‌کند».

ادامه در صفحه ۳

«شرق» از دوقطبی دوباره در فضای سیاسی کشور گزارش می‌دهد

طناب‌کشی برجامی

مهدی بازرگان: در حالی که تنها سه هفته تا بازگشت احتمالی تحریم‌های شورای امنیت پس از فعال‌سازی مکانیسم اسنپ‌بک باقی مانده، کشور با معضلات تازه‌ای در عرصه سیاست خارجی و داخلی روبه‌رو است. حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین ایران، در اظهارات اخیر خود خطاب به مخالفان برجام با تأکید بر تاریخ عملکرد دولت‌های مختلف، گفت: «شما که قطع‌نامه را کاغذپاره می‌دانید، شما که کل برجام را بد می‌دانید، شما دیگر ساکت باشید». او هشدار داد که هنوز فرصت برای مذاکره با سه کشور اروپایی یا ۴+۱ برای جلوگیری از بازگشت قطع‌نامه‌ها وجود دارد و افزود: «این به نفع آنها، به نفع ما و به نفع NPT خواهد بود».

این سخنان در حالی بیان شد که نگرانی از فشارهای سیاسی آژانس و کشورهای غربی در آستانه نشست فصلی شورای حکام افزایش یافته است. تجربه نشست خرداد و تبعات آن که منجر به جنگ ۱۲روزه و تجاوز اسرائیل و آمریکا شد، هنوز در حافظه جمعی سیاست‌مداران و کل جامعه ایران زنده است. البته روحانی به عملکرد دولت تدبیر و امید در دوره پیشین اشاره کرد و یادآور شد که ایستادگی ایران پس از خروج آمریکا از برجام مانع بازگشت خودکار قطع‌نامه‌ها شد و فرصت مذاکره باقی ماند، اما مخالفان داخلی با اقدامات خود این روند را مختل کردند.

در مقابل، رسانه‌ها و چهره‌های تندرو مانند کیهان و سیدمحمود نبویان، بازگشت اسنپ‌بک را بهانه‌ای برای نقد روحانی و برجام می‌دانند. کیهان بر خسارت‌های برجام تأکید می‌کند و نبویان می‌گوید: «برجام هزار برابر خسارت‌بارتر از قطع‌نامه‌های تحریمی است». این اختلاف‌نظر داخلی در شرایطی رخ می‌دهد که کشور بیش از هر زمان دیگری به انسجام و مدیریت واحد نیاز دارد؛ زیرا هر دوقطبی سیاسی می‌تواند اثرات اقتصادی و حقوقی سنگینی بر کشور بگذارد.

این تقابل مواضع، نشان‌دهنده پارادوکسی است که در آستانه نشست شورای حکام اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند؛ از یک سو هشدار نسبت به فشار احتمالی آژانس و بازگشت قطع‌نامه‌ها و از سوی دیگر اختلافات داخلی که می‌تواند زمینه سوءاستفاده طرف‌های خارجی را فراهم کند. در شرایط شکننده کنونی، تداوم این منازعات و دامن‌زدن به دوگانه‌های داخلی می‌تواند به جای تقویت ظرفیت ملی، به کاهش توان تصمیم‌گیری و فشار مضاعف بر کشور منجر شود. ضرورت وحدت و تعامل دیپلماتیک میان جناح‌های داخلی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود تا ایران بتواند ضمن حفظ حقوق خود در چارچوب NPT و برجام، از فشارهای سیاسی و حقوقی خارجی کاسته و سناریوی مشابه خرداد سال گذشته تکرار نشود. در نهایت باید هشدار داد که توجه به واقعیت‌های حقوقی، سیاسی و اقتصادی اسنپ‌بک و همچنین حفظ انسجام داخلی، تنها راه پیشگیری از بحران‌های مشابه دوره خرداد است. اصرار بر وحدت ملی و بازگشت به راهکارهای دیپلماتیک، هم‌زمان با رعایت مصالح کشور در عرصه بین‌المللی، برای جلوگیری از تحمیل دوباره فشارها و تحریم‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

سخنان روحانی و تبیین حقوقی اسنپ‌بک

فصل تازه اختلافات داخلی از آنجا شروع شد که حسن روحانی روز ۱۱ شهریور در جمع مشاوران خود پس از اشاره به تاریخچه مذاکرات هسته‌ای، به شکل تندی بر منتقدان داخلی برجام تاخت و خطاب به آنان گفت: «یک نکته هم جالب است که این روزها آنهایی که اصلا با برجام کلا مخالف بودند و می‌گفتند برجام اصلا درست نبوده و همه‌اش ضرر و خسارت بوده و اصلا نفعی نداشته، خب اسنپ‌بک گوشه‌ای از برجام را از بین می‌برد، خب شما که می‌گویید کل برجام از بین برود خیلی خوب است، خب این هم یک گوشه‌ای از برجام است».

رئیس‌جمهور اسبق کشور ادامه داد: «در برجام آمده که در طول این ۱۰ سال مفاد همه این قطع‌نامه‌ها متوقف و لغو می‌شود و بعد از ۱۰ سال هم به‌طور کامل از دستور خارج می‌شود؛ یعنی در واقع در مهرماه امسال به‌طور کلی قطع‌نامه‌ها از دستور خارج می‌شود طبق برجام. خب شما که می‌گویید برجام خیلی بد بوده، شما که می‌گویید کارهای قبل خیلی خوب بوده، خب شما شش قطع‌نامه گرفتید می‌گویید خوب بوده، حالا برمی‌گردیم به همان، ما برمی‌گردیم به قبل از سال ۹۴. شما که می‌گویید اصلا کل قطع‌نامه‌ها ارزش ندارد، کاغذپاره است، شما چه می‌گویید؟ شما که قطع‌نامه را کاغذپاره می‌دانید، شما که کل برجام را بد می‌دانید، شما دیگر ساکت باشید».

به گفته روحانی، «ما معتقدیم ایران در چارچوب تعهدات خودش به درستی عمل کرده و آنجایی هم که حتی آمریکا از برجام خارج شده باز هم مهلت کافی به ۴+۱ داده است. آنهایی که در سال ۹۷ مرتب داد می‌زدند می‌گفتند بعد از اینکه آمریکا خارج شده ما هم بلافاصله از برجام خارج بشویم و پاره کنیم، آنها دیگر نباید سرشان را بتوانند بالا بیاورند». رئیس‌جمهور پیشین ایران این را هم خاطرنشان کرد که «اگر ایستادگی دولت تدبیر و امید نبود و ما هم بعد از آمریکا از برجام خارج شده بودیم، همه قطع‌نامه‌ها در همان اردیبهشت ۹۷ برگشته بود. این قطع‌نامه‌ها از زمان تصویب یعنی سال ۲۰۰۶ تا حالا حدود ۲۰ سال است، از این ۲۰ سال ما ۱۰ سالش را متوقف کرده بودیم. کار بدی کردیم که ۱۰ سال آنها را متوقف کردیم؟ ما ۱۰ سال متوقف کردیم حالا می‌خواهد برگردد به قبل از برجام». روحانی به کارشکنی تندروهای داخلی برای احیای برجام هم ورود کرد و یادآور شد: «اگر در سال ۱۴۰۰ عده‌ای مانع نمی‌شدند و ما در دوره بایدن به برجام برمی‌گشتیم که همه چیز هم آماده بود، همه توافقات هم شده بود، امروز نه‌تنها چیزی به نام اسنپ‌بک نداشتیم، بلکه در این مدت حدود ۵۰۰ میلیارد هم ضرر نمی‌کردیم. در این چهار سال مستقیم و غیرمستقیم ۵۰۰ میلیارد ضرر کردیم».

رئیس‌جمهور پیشین با طرح این سؤال که «چرا عده‌ای نگذاشتند و چرا مانع شدند در سال ۱۴۰۰؟»، تصریح کرد: «اگر در ۱۴۰۰ برمی‌گشتیم به برجام، هم از منافع برجام استفاده می‌کردیم، هم برجام تثبیت می‌شد، هم امروز مشکل اسنپ‌بک نداشتیم و حتی بالاتر من می‌خواهم بگویم حتی دیگر بهانه جنگ ۱۲روزه هم وجود نداشت. این مشکلات، مشکلاتی است که یک عده تندرو، با توهمات خود جلوی منافع ملی کشور را گرفتند و مشکلاتی در سال ۱۴۰۰ برای ما به وجود آوردند و متأسفانه بعد از اواسط ۱۴۰۰ هم در دولت بعدی نتوانستند درست استفاده کنند و مسئله را حل‌وفصل کنند و ما امروز مشکلات پیدا کردیم؛ یکی‌اش هم همین است که برخلاف قواعد، اروپا دارد سوءاستفاده می‌کند».

روحانی در پایان به راه‌حل مدنظرش برای برون‌رفت از وضعیت کنونی هم پرداخت و گفت: «به نظر من تا جایی که می‌توانیم نباید بگذاریم این قطع‌نامه‌ها برگردد. باید تلاش کنیم و از این فرصت استفاده کنیم. اروپا نباید به خاطر مسئله اوکراین از ما انتقام بگیرد. این کار درستی نیست، کار غلطی است. به نفع همه ماست که یک بار دیگر پای میز مذاکره بنشینیم. امروز هم آمادگی هست، هم هنوز فرصت هست که با سه کشور اروپایی یا با ۴+۱ مذاکره کنیم تا موضوع اسنپ‌بک از دستور شورای امنیت خارج شود و پس بگیرند. این به نفع آنها، به نفع ما و به نفع NPT خواهد بود».

واکنش تندروها و نقد روحانی

در مقابل، رسانه‌ها و فعالان تندرو، به‌ویژه کیهان، عملکرد روحانی را نقد کرده و او را متهم به انکار خسارت‌های برجامی کردند. این روزنامه نوشت: «آقای روحانی به جای تظاهر به زرنگی و فرار به جلو، باید پاسخ دهد که چرا افتضاح پذیرش مکانیسم ماشه را که در قراردادها و توافقات بین‌المللی بی‌سابقه است، پذیرفت؟ از سر شیدایی توافق به هر قیمت و غفلت یا دانسته و به قصد خیانت به ملت ایران؟ چرا توافقی را تدارک کرد و خسارت‌های آن را به‌عنوان دستاورد به مردم فروخت! که امتیازات واگذارشده از سوی ایران نقد و اغلب برگشت‌ناپذیر و قبل از روز رسمی اجرای برجام بود اما تعهدات غرب، نسیه و مبهم و برای پس از خالی‌شدن دست ایران از توانمندی‌های هسته‌ای‌اش بود؟ با اخذ کدام تضمین یا تعبیه کدام مکانیسم شکایت معتبر، به تعطیلی یا نابودی ۹۵ درصد برنامه هسته‌ای تن داد؟».

به نوشته کیهان، «آقای روحانی مدعی شده بود همه تحریم‌ها در روز اجرای برجام یکجا لغو و نه تعلیق می‌شود و امکان ندارد تحریم‌ها برگردد. اما حالا که غرب ایران را به بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت از طریق سازوکار مندرج در برجام تهدید می‌کند، او به جای بد و بیراه گفتن به غرب غدّار، با صاحب‌نظرانی که به او هشدار می‌دادند، تندی می‌کند. چرا؟ چطور می‌توان اهرم اسنپ‌بک را تقدیم دشمن کرد و مدعی شد که اگر سال ۱۴۰۰ توافق می‌کردیم، امروز اسنپ‌بکی در کار نبود؟ اتفاقا اگر به برجام برگشته بودیم، اروپا کاملا برای بهانه‌گیری و استفاده یک‌طرفه از ماشه، مجالش را داشت و حال آنکه اکنون براساس عدم پایبندی در اجرای تعهدات، فاقد این بهانه و توجیه است».

این رسانه ادامه داد: «برخلاف ادعای روحانی، وضعیت به قبل از برجام برنمی‌گردد، چراکه هر چهار دولت اوباما، ترامپ، بایدن و ترامپ، بر افزایش تحریم‌ها اهتمام داشته و از ۸۵۰ مورد به بیش از دوهزارو ۳۰۰ مورد رسانده‌اند. از طرف دیگر، سال ۱۴۰۰ هیچ امکانی برای احیای برجام وجود نداشت، چراکه دولت بایدن اقدام ترامپ در خروج از برجام را ابزار گروکشی بیشتر برای مطالبه امتیازات افزون‌تر قرار داده بود و به جای عذرخواهی از عهدشکنی دولت آمریکا یا تعهد به ارائه تضمین‌های معتبر و عدم تکرار عهدشکنی برجام، امتیازات جدیدی طلب می‌کرد». در نکته آخر، کیهان نوشت: «در حالی که اروپا و آمریکا در همین چند سال اخیر بی‌چشم‌وروییِ خود را نشان داده‌اند، آقای روحانی که سرش کلاه رفته (یا واسطه کلاهبرداری غرب از ملت ایران شده) با چه رویی می‌گوید امکان توافق دوباره با اروپا و آمریکا وجود داشت؟ آمریکا و اروپا باید چند بار کلاهبرداری کنند تا بفهمید؟».

علاوه بر کیهان، دیگر رسانه‌ها مانند فرهیختگان هم به برجام و ماجرای اسنپ‌بک اشاره کرده و روحانی را متهم به ساده‌انگاری کردند: «حسن روحانی حتی ادامه حیات برجام را به گرفتن بهانه برای شروع جنگ ۱۲روزه نیز ربط داد، در حالی که شروع جنگ با ترور فرماندهان نظامی و هسته‌ای ما بود، نه صرفا حمله به تأسیسات هسته‌ای». در کنار این انتقادها، برخی نمایندگان تندروی مجلس مانند سیدمحمود نبویان نیز به استقبال از مکانیسم ماشه رفتند. این چهره جبهه پایداری باور دارد که برجام هزار برابر خسارت‌بارتر از قطع‌نامه‌های تحریمی است و تأکید کرد که «محدودیت‌های طولانی‌مدت بر ایران در برجام، ازجمله تعطیلی فردو، محدودیت بازفراوری و کاهش سطح غنی‌سازی، نمونه‌ای از پذیرش بی‌قیدوشرط خواسته‌های غرب است». به گفته این بهارستان‌نشین، «آنها تمام تلاش خود را کردند تا ایران به دشمنان هیچ بهانه‌ای ندهد و تقریبا هرچه را که آنان گفتند، پذیرفتیم». از منظر نبویان، «حتی در دوره اجرای برجام، ایران ۹۲ درصد از نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را در کشور انجام داده و همه تعهدات خود را اجرا کرده است. بااین‌حال، غرب همچنان سیاست فشار حداکثری و تهدید به بازگشت تحریم‌ها را ادامه داده و امروز اسنپ‌بک را بهانه‌ای برای انتقاد از روحانی می‌کند».

پیامدهای اقتصادی و سیاسی بازگشت به دوره پیشابرجام

البته سیدمحمود نبویان در بخش دیگری از گفته‌های خود باور دارد که «تحریم‌های شورای امنیت اصلا قابل مقایسه با تحریم‌های یک‌جانبه و جامع آمریکا نیست و مشکل ما با تحریم‌های آمریکاست، چون در قطع‌نامه‌های تحریمی، تحریم نفتی نیامده است، اما الان از سوی آمریکا تحت تحریم نفتی هستیم. در قطع‌نامه‌های تحریمی حدود ۱۲۰ فرد و نهاد تحریم شده است، اما در تحریم‌های جامع آمریکا بیش از دو هزار فرد و نهاد ایرانی تحریم شده‌اند. پس اگر قطع‌نامه‌های تحریمی بازگردد، هیچ‌گونه تحریمی بر تحریم‌های ما اضافه نمی‌شود، چراکه ما الان تحت تحریم‌های جامع آمریکا هستیم».

در میانه این اختلافات، فعالان اقتصادی و تحلیلگران سیاسی نسبت به بازگشت تحریم‌ها و اثرات آن بر اقتصاد ایران هشدار داده‌اند. بازگشت احتمالی قطع‌نامه‌های شورای امنیت می‌تواند باعث توقف فروش نفت، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، فشار بر بازار ارز و طلا و ایجاد بحران‌های تازه در تجارت خارجی شود. ضمن آنکه آثار مخرب روانی آن بر افکار عمومی هم محل نگرانی است. لذا تداوم تشدید اختلاف داخلی می‌تواند شرایط را بحرانی‌تر کند. تجربه دوره پیشین نشان داده است بازارها به لحاظ روانی سریع نسبت به تهدیدهای تحریمی واکنش نشان می‌دهند. از منظر سیاسی نیز بازگشت تحریم‌ها به معنای افزایش فشار بر دولت، کاهش اعتبار بین‌المللی و تشدید رقابت داخلی است. کارشناسان حقوق بین‌الملل معتقدند ایران، با توجه به متن برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱، امکان دفاع حقوقی در برابر فعال‌سازی اسنپ‌بک را دارد، اما موفقیت این دفاع نیازمند انسجام داخلی، همراهی تیم دیپلماسی و ارائه شواهد مستند از اجرای تعهدات است.

در این شرایط، اختلاف میان جناح‌ها، به‌ویژه میان روحانی و تندروها، می‌تواند مانع اتخاذ تصمیمات سریع و کارآمد شود. تجربه خرداد ۱۴۰۱ نشان داد که شکاف داخلی و فشارهای رسانه‌ای، راهبردهای دیپلماتیک ایران را تحت تأثیر قرار داد و دشمن از فرصت بهره برد. فعالان اقتصادی هشدار می‌دهند که اگر انسجام داخلی حفظ نشود، بازار سرمایه، ارز و کالاهای اساسی با موجی از بی‌ثباتی روبه‌رو خواهند شد. همچنین، ناظران سیاسی معتقدند تهدید اسنپ‌بک و بازگشت تحریم‌ها، فرصتی برای تمرکز بر سیاست خارجی واقع‌بینانه و مذاکره هوشمندانه است. ایران می‌تواند با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک، تضمین حقوقی برای اجرای برجام و کاهش تهدیدهای اقتصادی، مانع بحران تازه شود. در این مسیر، حفظ دیپلماسی فعال و جلوگیری از دوقطبی سیاسی داخلی ضروری است.

ضرورت انسجام ملی و آینده مذاکرات

تنها راه پیشگیری از بحران‌های مشابه، انسجام ملی، احترام به تعهدات بین‌المللی و استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک است. سخنان روحانی و واکنش تندروها نشان می‌دهد که اختلاف داخلی هنوز پابرجاست و هرگونه تصمیم شتاب‌زده می‌تواند فرصت‌های دیپلماتیک و اقتصادی ایران را کاهش دهد.

ایران در سال‌های گذشته نشان داده است که می‌تواند با تکیه بر دیپلماسی و مصالح ملی، فشارهای خارجی را مدیریت کند. تجربه دولت‌های گذشته، به‌ویژه دوران تدبیر و امید، گواه این واقعیت است که ایستادگی هوشمندانه، مذاکره دقیق و رعایت قوانین بین‌المللی، از بازگشت تحریم‌ها جلوگیری کرده است. روحانی در سخنان اخیر خود تأکید کرد که «ما هنوز فرصت داریم، اگر وحدت و انسجام وجود داشته باشد». در مقابل، تندروها با تمرکز بر خسارت‌های برجام و تأکید بر مقاومت مطلق، به‌نوعی جریان‌سازی رسانه‌ای و فشار داخلی را دنبال می‌کنند. این نگرش می‌تواند مانع تصمیم‌گیری به‌موقع و اثرگذار شود.

از منظر اقتصادی، انسجام داخلی به معنای آرامش بازار، جذب سرمایه و کاهش نوسان در ارز و کالاهای اساسی است. هرگونه اختلاف داخلی می‌تواند قیمت دلار، سکه و مواد اولیه را تحت تأثیر قرار دهد و خسارت مضاعفی بر اقتصاد وارد کند. در نهایت، آینده مذاکرات هسته‌ای که در نوعی از ابهام به سر می‌برد و پیشگیری از بازگشت تحریم‌ها، به توانایی ایران در مدیریت اختلافات داخلی، استفاده از فرصت‌های دیپلماتیک و پایبندی به حقوق بین‌الملل بستگی دارد. نهادهای تصمیم‌گیر باید با تأکید بر مصالح ملی، ضمن حفظ دستاوردهای گذشته، راهبردی واقع‌بینانه و انعطاف‌پذیر در برابر چالش‌های تازه اتخاذ کنند. انسجام ملی و تصمیم‌گیری هوشمندانه نه‌تنها از بازگشت بحران‌های تحریمی جلوگیری می‌کند، بلکه موقعیت ایران در عرصه بین‌المللی را تقویت کرده و امکان استفاده از فرصت‌های اقتصادی و سیاسی را فراهم می‌آورد. این امر به‌ویژه در شرایط حساس کنونی که مذاکرات و فشارهای بین‌المللی هم‌زمان با چالش‌های داخلی در جریان است، اهمیت حیاتی دارد.

یک نکته، یک نظر

غنی‌سازی، کالایی سیاسی

احمد شیرزاد

سؤال: بالاترین دستاورد و بارزترین وجه غنی‌سازی اورانیوم برای ما چیست؟

پاسخ: همان‌طور که پیش از این نیز گفتم، مهم‌ترین وجه غنی‌سازی اورانیوم برای ما، وجه سیاسی آن است. از دیدگاه نگارنده، غنی‌سازی اورانیوم برای ما یک کالای سیاسی است که عمده مصرف آن بر سر میز مذاکره است. انتقاد اساسی من به موضع‌گیری برخی از دوستان که این روزها خواهان تعلیق یا تعطیل‌شدن غنی‌سازی توسط ایران شده‌اند، توجه‌نکردن آنها به این وجه بسیار مهم داستان است. حساسیت طرف اصلی ایران و متحدان او و اعمال فشار بی‌سابقه توسط آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها درباره تعطیل‌کردن فرایند غنی‌سازی در ایران یا به‌اصطلاح رسیدن به نقطه صفر در غنی‌سازی، نشان می‌دهد دستیابی به فناوری غنی‌سازی توسط ایران برای آنها بسیار گران تمام شده است. آنها در همین جنگ اخیر میلیاردها دلار برای توقف غنی‌سازی در ایران هزینه کردند و اعتبار نظامی‌شان به چالش کشیده شد. در برجام نیز آنها حاضر به دادن امتیاز در قبال محدودشدن غنی‌سازی ایران شده بودند؛ بنابراین اگر در مورد ایران ۱۴۰۴ صحبت کنیم و نه ایران ۱۳۸۲ روشن است که در شرایط حاضر کالایی بسیار گران‌قیمت به نام توان‌مندی غنی‌سازی در دست ماست که می‌توانیم با اتکا بر آن با قدرت بیشتری در سر میز مذاکره به چانه‌زنی بپردازیم. هیچ آدم عاقلی پیشاپیش دست خود را از اصلی‌ترین حربه‌ای که در فرایند چانه‌زنی دارد، تهی نمی‌کند. اگر ما به توصیه برخی از دوستان پیشاپیش اعلام کنیم که غنی‌سازی را به کنار می‌نهیم، طرف مقابل هیچ الزامی برای دادن امتیاز در خود نمی‌بیند.

اما غنی‌سازی از وجه دیگری نیز برای ما ارزشمند است و آن غرور ملی ایرانیان است. من شخصا دوست داشتم که این اتفاق نمی‌افتاد. اما به هر حال بیست و چند سال درگیری در پرونده هسته‌ای، تبلیغات گسترده رسانه‌های رسمی به‌ویژه صداوسیما و فشارهای سیاسی غربی‌ها که شما نباید غنی‌سازی کنید، همه اینها دست به دست هم داد و غنی‌سازی را به‌عنوان نماد «ما می‌توانیم» برای ایرانیان به عرصه آورد. این حس اعتمادبه‌نفس و احساس توانمندی در جای خود ارزشمند است. جامعه ایران با خود حساب می‌کند که وقتی ما در صنعتی که تمام درهای آن را به رویمان بسته بود توانستیم سدها را بشکنیم و راه خود را باز کنیم، در هیچ زمینه دیگری نیز دست‌بسته و زمین‌گیر نخواهیم بود. خوشبختانه این مقصود در هر صورتی تحصیل شده و امکان محو آن وجود ندارد. سرنوشت تقابل سیاسی ما با غربی‌ها هرچه باشد، حتی در صورتی که بنا بر صلاحدید مسئولان کشور به محدودیت‌هایی هم تن دهیم، اما غرور ملی و احساس توانمندی جامعه ایران سر جای خودش هست و کسی نمی‌تواند آنها را به چالش بکشد.

خبر

یوسف پزشکیان: شاید لازم است به فکر یک تجدید نظر اساسی باشیم

یک عضو دفتر رئیس‌جمهور تأکید کرد: متأسفانه در این سال‌ها سخنی را که باید در اندیشکده‌ها و پژوهشکده‌ها و اتاق‌های فکر مطرح می‌شد و پس از چکش‌کاری در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های برنامه‌ریزی تبدیل به برنامه می‌شد تا وارد فاز اجرا شود، بدون هیچ ملاحظه‌ای وارد گفت‌وگوهای روزمره سیاست‌مداران در مجلس و کارشناسان در صداوسیما و پشت تریبون‌ها کردیم. یوسف پزشکیان با اشاره به سفر هفته گذشته رئیس‌جمهور به چین به منظور شرکت در اجلاس شانگهای، یادداشتی با عنوان «اژدهای آرام چین و پرنده پرصدای ایران» در کانال تلگرامی خود منتشر کرد. در بخشی از این یادداشت آمده است: «به نظر می‌رسد ما به جای اینکه بهانه صحبت‌کردن درباره ایران را از دیگران بگیریم، به آن دامن زدیم. اجازه دادیم درباره ما حرف بزنند. چگونه؟ کارهای نکرده‌مان را هم با بلندگو فریاد زدیم. بلند بلند فکر کردیم. شاید لازم باشد به فکر یک تجدیدنظر اساسی باشیم».